

مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی

در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

(با تأکید بر فطرت انسان)

حسن نعیم آبادی*

مهدی مطهرنیا**

رضا پریزاد***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یا تأکید بر فطرت انسان‌ها است. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چیست و آیا این مؤلفه‌ها با فطرت انسان‌ها سازگاری دارد؟ همچنین پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که شکل‌گیری و پایه‌ریزی انقلاب اسلامی و همچنین اندیشه‌های حضرت ایشان بر مبنای اعتقادات و باورهای دینی و فطری بوده بدیهی است این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها هم بر مبنای الگوی اسلامی استوار است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد از آنجاکه

* دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

** استادیار گروه علوم سیاسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول: dmmotaharnia@gmail.com).

*** استادیار گروه علوم سیاسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

ابتناء نظام جمهوری اسلامی بر نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت و بر پایه مردم‌سالاری دینی بوده بر اساس این نظریه، مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی بر سه اصل صلاحیت‌های دینی، رضایت و انتخاب مردم استوار است برای رسیدن به اهداف، باید در مرحله نظر و عمل به‌عنوان یک نظام کارآمد تلقی شود؛ لذا در منظومه فکری رهبری انقلاب اسلامی نیز اصل کارآمدی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: نظام ولایی، مشروعیت، مقبولیت، فطرت، کارایی و کارآمدی.

بیان مسئله

کارآمدی از مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی است که امروزه مورد توجه نظام‌های سیاسی قرار گرفته، از آنجاکه هر نظام سیاسی به دنبال پیشینه‌کردن کارآمدی خویش است نظام سیاسی جمهوری اسلامی نیز به دنبال تحقق و دستیابی به این هدف مهم و اساسی است.

انقلاب اسلامی با پیروزی بر رژیم شاهنشاهی و سرنگون ساختن آن به تعریف، تثبیت و استقرار نظامی جدید با ماهیتی کاملاً دینی اقدام کرد و در عمل نه مدل‌های غربی و لیبرالیستی را مبنای نظام خود قرار داد و نه ساختارهای شرقی و سوسیالیست‌ها را پذیرفت. بلکه همه نهادهای حکومتی و تمام ابعاد جامعه و سیاست را متناسب با آموزه‌های اسلامی تعریف و طراحی کرد، لیکن لازمه حفظ و تداوم چنین انقلابی با ارزش‌ها، شعارها و پیام‌های جهانی‌اش و در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی، مستلزم بصیرت و شناخت و تبلیغ محققانه در ماهیت، ارکان، اصول و ارزش‌های به‌وجودآورنده این تحول عظیم و مردمی، همچنین تبیین دستاوردهای فراوان انقلاب و از همه مهم‌تر شناخت و مقابله آگاهانه و قاطعانه با آفت‌ها و آسیب‌هایی است که موجودیت و کارآمدی انقلاب را تهدید می‌نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه تبیین و تفسیری از مفهوم کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آسیب‌شناسی نظام سیاسی در حوزه کارآمدی و بررسی مفهوم کارآمدی و کارایی و تمایزات آن است.

باتوجه به صدور اسناد راهبردی نظام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، حرکت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی و خوانش فرا شیعی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی، بالابردن کارآمدی نظام مردم‌سالاری دینی، رفع کاستی‌ها و اشکالات نظام سیاسی می‌تواند این اهداف را محقق نماید؛

لذا باتوجه به جایگاه رفیع رهبری در نظام سیاسی، تبیین منظومه فکری ایشان در حوزه کارآمدی نظام ولایی از اهمیت بالایی برخوردار است.

بررسی مطالعات و آثار منتشر شده درباره کارآمدی نظام سیاسی، نشان می‌دهد در این حوزه، پژوهش‌هایی انجام شده است، از جمله:

۱. آقای فرج‌الله قاسمی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر حضرت امام خمینی (ره)» پرداخته و شاخص‌های قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری، مصلحت و وحدت را از مولفه‌های کارآمدی بیان نموده است.

۲. مسلم کرم زادی و علیرضا صدرا (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)» ضمن تعریف کارآمدی و سیاست به بیان مولفه‌های تحقق کارآمدی از جمله خدمت به مردم، حاکمیت قانون، توجه به مصلحت، نظارت مردم و شایسته‌سالاری در حکومت می‌پردازند.

۳. آقای علیرضا خسروی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی درون‌گفتمانی کارآمدی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب» با تبیین مفهوم کارآمدی به بیان ارزیابی کارآمدی نظام بر اساس سطوح ایده، ساختار، کارگزار و رفتار پرداخته است.

آنچه در اکثر پژوهش‌های انجام شده دیده می‌شود این است که به تبیین کلی کارآمدی حکومت و یا تبیین کارآمدی از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام می‌پردازد؛ ولی تاکنون به بررسی کارآمدی نظام ولایی از منظر رهبری انقلاب اسلامی نپرداخته است؛ لذا در تحقیقی حاضر به دنبال تبیین آن هستیم. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و فیش‌برداری گردآوری شده‌اند.

چارچوب نظری: نظریه مشروعیت الهی - مردمی و کارآمدی:

چارچوب نظری مقاله حاضر تلفیقی از رویکرد ساختارگرایی و نظریه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت است. بر اساس رویکرد ساختارگرایانه در دنیای واقع، هر نظام سیاسی به‌منظور اطلاع‌رسانی و پاسخگویی در برابر مردمی که زیر پرچم آن زندگی می‌کنند نیازمند اثبات سطح و میزان کارآمدی خود است که این کارآمدی بر اساس دیدگاه کلان در درون و برون مرزهای

جغرافیایی تعریف می‌شود. یعنی کارآمدی نهادینه نظام در همه ارکان حکومتی و سیاسی که بر ساختار سیاسی مشخص نمود عینی دارد.

اما در نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت، مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی بر سه اصل مبتنی است: اول، صلاحیت‌های دینی؛ دوم، رضایت و انتخاب مردم و سوم؛ کارآمدی. براین اساس لازمه مشروعیت هر نظام سیاسی اسلامی، داشتن هم‌زمان هر سه عنصر مذکور در حکومت است و با زوال هر یک، مشروعیت حکومت نیز از بین خواهد رفت. این نظریه در مقابل نظریات تک‌عنصری، مانند نظریه مشروعیت الهی بلاواسطه حاکم اسلامی و یا نظریه مشروعیت انتخاب مردمی نظام اسلامی قرار دارد که یکی بر عنصر و صلاحیت‌های دینی به‌تنهایی و یکی بر عنصر رأی ملت تأکید می‌نماید (سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). این نظریه را می‌توان تکمیل‌کننده نظریه دوگانه (دو‌عنصری) مشروعیت الهی - مردمی محسوب نمود. بر اساس این نظریه (سه‌عنصر) می‌توان گفت عنصر اول که صلاحیت دینی است به معیارها و ویژگی‌هایی برمی‌گردد که در اسلام برای حاکم اسلامی در نظر گرفته شده است و وجود این معیارها برای حاکم اسلامی ضروری بود و موجب مشروعیت‌یابی وی می‌گردد.

در این نظریه پس از بررسی صلاحیت به‌عنوان عنصر اول مشروعیت و شرط لازم برای قرارگرفتن در مسند قدرت، عنصر دوم؛ یعنی رأی و خواست ملت به‌عنوان شرط کافی بیان می‌گردد، عنصر دوم؛ یعنی رضایت و خواست ملت، مشخص‌کننده پیوند بین بحث ولایت‌فقیه و بحث مردم‌سالاری دینی است. براین اساس حاکم دارای صلاحیت دینی، حتی اگر حضرت علی علیه‌السلام نیز باشد؛ باید با کسب رضایت و خواست مردم، قدرت را به دست بگیرد؛ لذا براین اساس رأی ملت، یک رکن مشروعیت نظام بوده و تقوا و عدالت را بدون رأی و مقبولیت رأی مردم فاقد کارایی می‌داند.

سومین عنصر از دیدگاه این نظریه، عنصر کارآمدی است، کارآمدی پیوند ولایت مطلقه فقیه را با مردم‌سالاری مشخص می‌نماید. همان گونه که در عنصر دوم (رأی و خواست مردم) مطرح گردید هر یک از مسئولان نظام اسلامی موجب تعمیق اعتقاد مردم به نظام اسلامی و اسلام می‌گردند. بر همین اساس نقش مردم در مشخص شدن ناکارآمدی مسئولان و نظام قابل توجه است، چنان که عدم کارایی منجر به عدم مقبولیت مردمی و در نهایت به عدم مشروعیت منجر می‌گردد؛ لذا می‌توان

گفت طرح مفهوم ولایت مطلقه فقیه از سوی حضرت امام علیه السلام در دل مقوله کارآمدی قابل درک است. این نظریه در شرایطی شکل گرفت که بن‌بست‌های قانونی پیش آمده، حکومت اسلامی را در زمان حساس جنگ با نوعی ناکارآمدی روبرو ساخته بود؛ لذا بر اساس بیانات حضرت امام علیه السلام تلاش ایشان به منظور جلوگیری از بحران کارآمدی مشاهده می‌گردد (سعیدی، ۱۳۹۳: ۲۶۷-۲۶۶).

مفهوم‌شناسی کارآمدی:

کارآمدی از نظر لغوی به «مفیدبودن، خدمت کردن، به کار آمدن، در خور بودن» (دهخدا، ۱۳۷۷) معنا شده است، اما از نظر اصطلاحی، آنچه بیشتر کاربرد دارد، اصطلاحاتی نظیر اثربخشی و کارایی است که در علوم اقتصادی، مدیریت، علوم سیاسی و رشته‌های وابسته مورد استفاده قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی مترادف کارایی و به «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده» تعریف شده است (گلریز، ۱۳۶۸: ۱۷۱). در دانش مدیریت، کارآمدی «به درجه و مقداری که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نایل می‌شود یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها» تعریف شده است (زاهدی، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۲). در ادبیات سیاسی، کارایی به «تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت» (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۰) از این رو نظام سیاسی زمانی کارا است که توان ایفای وظایفی را که بیشتر حکومت‌شوندگان از آن انتظار دارند، داشته باشد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی، سیاسی، اجتماعی، مادی و معنوی همه شهروندان به‌ویژه پاسداری از امنیت و آسایش آنان در اجتماع است (قیصری، نورالله و قربانی، مصطفی، ۱۳۹۴).

کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد. مدیریت عبارت است از اعمال تدابیر و اقدامات لازم در چارچوب یک نظام ارزشی خاص در جهت تعیین اهداف و به‌کارگیری عوامل کار با اثربخشی و کارایی مطلوب. هنگامی از کارایی سخن به میان می‌آید که منابع لازم بر کسب هدف با آنچه واقعاً

به انجام رسیده است، مورد سنجش قرار می‌گیرد. هر چه نسبت سود به هزینه مطلوب‌تر باشد، کارایی بیشتر خواهد بود.

باتوجه به قضاوت پذیر بودن عنوان کارآمدی، ادعای رسیدن به یک تعریف جامع و همگانی برای آن منطقی به نظر نمی‌رسد، بلکه در آن اختلاف نظر وجود دارد به‌طور کلی تعریف پدیده‌های اجتماعی دشوار است و نمی‌توان در تعریف آن به توافق رسید، کارآمدی معمولاً همراه با کارایی به کار برده می‌شود. کارآمدی با واژگانی مانند «اثربخشی» و «تقرب به هدف» مترادف است (زاهدی و الوانی، ۱۳۷۹: ۱۱).

تمایز کارآمدی و کارایی:

تمایز کارآمدی و کارایی کارآمدی بر خلاف کارایی که به کارکردها و وظایف نظام ارجاع دارد، بیانگر وجه هستی‌شناختی یا فلسفه وجودی نظام‌ها درون است. در این صورت، مرجع کارآمدی موجودیت و هستی نظام به‌مثابه یک کل است که ضابطه‌های تعیین آن اصطلاحاً سیستمی نیست، بلکه از بیرون سیستم تعیین می‌شود. در اینجا ترجیحات، نیازها و خواسته‌های مؤسسان یا کاربران سیستم است که آن را کارآمد یا ناکارآمد می‌سازد، نه توانمندی‌های سیستم به‌تنهایی. در واقع نظام‌های سیاسی در کلیت آنها در صورتی کارآمد ارزیابی می‌شوند که علاوه بر موفقیت در تحقق اهداف یا فلسفه وجودی‌شان، موفق به کسب حداکثر رضایت مردم در شرایط متغیر و پیچیده زمانی و مکانی باشد؛ بنابراین کارآمدی مفهومی است که؛

الف) معطوف به حفظ موجودیت و استحکام یافتگی عوامل است و در نتیجه، پایداری آنها را تضمین می‌کند.

ب) معطوف به تحقق اهداف از پیش تعیین شده برای عوامل است.

ج) به توانایی عوامل در انطباق با شرایط جدید و در نتیجه آن، وظایف جدید مربوط است.

د) به توانایی و موفقیت عوامل در تحقق انتظارات از آنها مرتبط است؛ ه) به دنبال

تحصیل رضایت شهروندان است و کسانی که انتظاراتشان متوجه سیستم است و سیستم موظف به برآوردن آنها است.

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کارآمدی:

ملاک‌های کارآمدی در چارچوب نظریه‌های مختلف کارآمدی و متناسب با آن، به شکل گوناگون تعریف و تبیین می‌شود و به همین رو نمی‌توان در علم سیاست به اجماع درست یافت (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۷) اما همان گونه که گفته شد از آنجاکه خاستگاه نظام جمهوری اسلامی و اندیشه امام خامنه‌ای در چارچوب اسلام، احکام اسلامی و قانون است ناگزیر می‌باید در نیل به کارآمدی نیز از این مکانیسم‌ها استفاده شود تا ثابت کند که قوانین و برنامه‌های اسلامی برای کشورداری و اداره امور کشور کارآمد است.

مشروعیت:

از جمله عوامل بسیار مؤثر در کارآمدی یک نظام، حقانیت و مشروعیت آن است. در جای خود ثابت شده است که از میان ملاک‌های حقانیت و مشروعیت، ملاک حقانیت و مشروعیت الهی، پذیرفتنی است و هیچ یک از ملاک‌های زور و غلبه، وراثت، توافق جمعی، اکثریت و... نمی‌تواند ملاک مشروعیت واقعی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ۴۳). مشروعیت الهی، حس رضایتمندی، اطمینان، فداکاری و مسئولیت در حاکمان و مردم را بالا می‌برد و از این طریق بر کارآمدی نظام می‌افزاید (صنعی منفرد، ۱۳۸۰: ۱۰۵) حضرت امام خمینی علیه السلام در کتاب «ولایت فقیه» با اشاره به نیابت فقها از ائمه معصومین علیهم السلام به این نکته اشاره کرده است که ولی فقیه مشروعیتی الهی در حق حاکمیت دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۰) از مشروعیت تعاریف فراوانی ارائه شده است، اما در مجموع پرسش از چرایی «الزام و التزام سیاسی» پرسش از مشروعیت است. این مفهوم به معنای میزان اعتقاد شهروندان به دولت، به مثابه تجسم بخش منافع آنها و باور به حقانیت و شایستگی دولت در برخورداری از قدرت و اعمال این قدرت بر شهروندان است. به تعبیر رابرت دال «وقتی حکومتی مشروعیت دارد که مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین داشته باشند بر اینکه ساختارها، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاست‌ها، مقامات و رهبران یا حکومت از شایستگی، درستکاری، یا خیر اخلاقی و از حق صدور قواعد الزام‌آور برخوردار باشند» (رابرت دال، ۱۳۶۴: ۷۰). از نظر لغوی مشروعیت گاهی به معنای «حقانیت» و گاه به معنای «قانونی‌ات» و گاهی به معنای «مقبولیت و پذیرش عمومی» است. عالی‌ترین سطح مشروعیت دربرگیرنده هر سه از تعبیر از این مفهوم

است، اما مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و بین آنها تعامل و ارتباط دوجانبه و مستقیمی وجود دارد و به عبارتی هنگامی که «پایینی‌ها نخواهند و بالایی‌ها نتوانند» سقوط و سرنگونی حتمی است. کارایی با بازده عملی هر سامانه (سیستم) مترادف است و منظور از آن نتیجه‌بخش بودن یک طرح، برنامه یا سیاست است. نظام سیاسی آنگاه کارایی دارد که بتواند وظیفه‌های را که بیشترین مردم یا حکومت‌شوندگان از آن متوقع است، انجام دهد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه شهروندان به‌ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک‌تک آنان در اجتماع است. پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارایی آن است.

بدین ترتیب رابطه بین مشروعیت و کارایی در یک نظام سیاسی از اهمیت حیاتی برخوردار است، چرا که وجود یا فقدان یکی، در درازمدت می‌تواند به رشد یا از دست‌رفتن دیگری منجر شود. احتمالاً «لیپست» اولین شخصی بود که به طور اخص رابطه بین مشروعیت و کارایی را تجزیه و تحلیل کرد و بحث نمود که ثبات یک رژیم به رابطه بین این دو مفهوم بستگی دارد. وی کارایی را عملکرد حقیقی و واقعی حکومت یا برآورد شدن کارویژه‌های اساسی حکومت توسط نظام تعریف می‌کند (حجاریان، ۱۳۷۳: ۸۱).

در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای کارآمدی هم منبع مشروعیت است، هم مشروعیت زا و مایه تقویت آن. در حقیقت کارآمدی در حوزه مفهوم «مشروعیت‌یابی» قرار می‌گیرد که به معنای فرایندی است که طی آن حکومت به بسط و گسترش پایگاه اجتماعی خود و همچنین بالابردن درجه رضایت مردم بر اساس قانون می‌پردازند؛ لذا ایشان می‌فرمایند:

نکته آخر این که، مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3250>).

مردم‌سالاری دینی:

یکی از ویژگی‌های نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار، اتکا به آرای عمومی و مشارکت مردم در اداره امور کشور است، این حق عمومی در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به‌دست‌آوردن آزادی‌های مردمی است یکی از اساسی‌ترین موضوعات در اندیشه سیاسی - اجتماعی حضرت امام خامنه‌ای که در کارآمدی حکومت اسلامی نقش اساسی دارد، لزوم تعیین سرنوشت مردم از طریق مشارکت سیاسی فعال در همه امور و پشتیبانی مردم در حکومت است، حکومت از انجام وظایف خود ناتوان خواهد بود و دیگر پایدار نخواهد بود. امروزه نقش مردم در حکومت‌های دموکراتیک انکارناپذیر است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انتخاب ولی‌فقیه در جامعه اسلامی را به دو طریق می‌دانند، اول انتخاب اکثریت قاطع مردم که «اکثریت قاطع یعنی آن مقداری که اقلیت در مقابل آن، ناچیز است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ۱۰۸) و دوم «انتخاب منتخبان مردم که در قانون اساسی ما مجلس خبرگان است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ۱۰۸) و در نهایت در نظام اسلامی که بر اساس ولایت و امامت اداره می‌شود؛ مردمی‌بودن حکومت به معنای مشارکت فعال مردم، در عقبه فکری و هم در صحنه‌های مختلف اجتماعی است (همان، ۱۳۷۶/۶/۱۱).

در روایات نیز بر مشاوره و مشارکت مردم تأکید بسیاری شده است. برای مثال در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عُقُولِهِمْ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). از این رو، سزاوار است که در نظام‌های سیاسی، مسئولان امر با مراجعه به کارشناسان و متخصصان متعهد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، در راستای کارآمدی و حل مشکلات نظام گام بردارند.

اما به طور مشخص و دقیق در مردم‌سالاری به‌وضوح نقش مردم مشخص می‌شود. ایشان در عبارتی به تبیین مردمی‌بودن حکومت پرداخته و نقش مردم را در حکومت و مردمی‌بودن حکومت را به دو معنا بیان می‌نماید:

مردمی‌بودن حکومت به دو معناست: (۱) مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند؛ (۲) حکومت اسلامی در خدمت مردم است آنچه برای حاکم اسلامی مطرح است، منافع عامه مردم است نه منافع اشخاص یا قشر

و طبقه معین تا وقتی که حکومت مردمی به معنای اول تأمین نشود و مردم در حکومت، نقشی نداشته باشند نمی‌شود گفت حکومت مردمی و در خدمت مردم است. در مجموع می‌توان گفت از منظر این دیدگاه مردم‌سالاری دینی علاوه بر دو معنای اول باید دارای دو ویژگی دیگر نیز باشد بهره‌گیری حکومت از فکر و اندیشه مردم در راه اعتلای کشور؛ آگاه‌سازی مداوم مردم توسط حکومت (همان، ۱۳۶۲/۵/۱۴).

ایشان همچنین حکومت را عامل، نماینده، خادم و کارگزار مردم می‌دانند و آنها را صاحب حق می‌دانند. بر اساس الگوی چند ساحتی مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی آیت‌الله خامنه‌ای، مردم همه ساحت‌های مشروعیت را پر نمی‌کند؛ بلکه ساحتی از ساحت چهارگانه مشروعیت حکومت معطوف به مردم و نقش آنهاست این دیدگاه مردم‌سالاری دینی، یعنی یک نظام با هدایت الهی و اراده مردمی اداره شود و تأکید بر پیوند مردم و امام و ولی است و حقیقت ولایت الهی ارتباط با مردم است.

شایسته‌سالاری:

استقرار نظام شایسته‌سالاری آرمانی است که مورد تأکید و توجه اندیشمندان و فلاسفه از گذشته تا به حال بوده و هر نظام سیاسی به دنبال تحقق آن است، شایسته‌سالاری ریشه در دین و آموزه‌های دینی ما داشته و با آن آمیخته است و اساساً حکومت صالحان و انبیا هم در همین راستا ارزیابی می‌شود. انقلاب اسلامی و حرکت عظیم مردمی آن به رهبری حضرت امام در محو طاغوت و استقرار نظام جمهوری اسلامی موجد همین موضوع شایسته خواهی و شایسته‌سالاری است.

در راستای ارتقای کارآمدی حکومت اسلامی، شایسته‌سالاری در تصدی همه پست‌ها و مناصب؛ به‌ویژه آن‌هایی که به سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان نظام اسلامی مربوط می‌شود، بایستی مورد توجه قرار گیرد و بلکه ترتیبی اتخاذ شود که شایسته‌ترین‌ها در این مناصب قرار گیرند. زیرا شایسته‌سالاری از عواملی است که موجب رشد و شکوفایی، وفاداری و تعهد کارکنان به سازمان و نظام می‌شود؛ لذا شایسته‌سالاری را می‌توان یک فرایند تلفیقی دانست که در زیر فرایندهای شایسته خواهی، شایسته‌سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گیری، شایسته‌گماری، شایسته‌داری و شایسته‌پروری تشکیل شده است. از اهداف مهم انقلاب اسلامی اصل و مبنا قرارگرفتن فرهنگ و معارف اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی در کشور است.

شایسته‌سالاری از موضوعاتی است که ریشه در اعتقادات، باورها و فرهنگ غنی اسلامی ایرانی دارد و رمز توسعه‌یافتگی و پیشرفت روزافزون تمامی ملل جهان محسوب می‌شود. از این منظر، شایستگی را می‌توان مرکب از دو مؤلفه اصلی تقوا و تخصص دانست.

براین اساس، رعایت و حاکمیت اصل شایسته‌سالاری در حکومت اسلامی ایجاب می‌کند برای ورود افراد به جایگاه‌های مهم سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، نظامی طراحی شود که از میان افراد واجد صلاحیت، حتی‌المقدور باتقواترین و متخصص‌ترین (شایسته‌ترین) آن‌ها در آن منصب قرار گیرد؛ لذا در منظومه فکری حضرت امام خامنه‌ای شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری از جایگاه ویژه و بااهمیتی برخوردار است.

دو سه نقطه اساسی در مورد کارآمدی وجود دارد که من به آنها اشاره می‌کنم. یکی این‌که عناصر نزدیک به خودتان را - که در واقع دست‌ها و بازوهای شما هستند - از آدم‌هایی انتخاب کنید که کار را بشناسند. ممکن است یک وزیر با کار، چندان آشنا نباشد، اما معاونانش اگر با کار آشنا باشند، این خلأ پر خواهد شد. اگر بنا شد معاون - که مشاور و بازوی وزیر است - کاری را که در معاونت به او سپرده‌اند، نشناسد، او ایلا خواهد شد. همه جای دنیا معمول است که با آمدررفت دولت‌ها، وزرا عوض می‌شوند؛ لیکن در بسیاری از کشورها این‌گونه است که یک معاون وزیر همیشه ماندگار است. من این را در پاکستان دیدم، بعد به من گفتند که این شیوه انگلیسی است که یک معاون وزیر را در هر وزارتخانه‌ای همیشه نگه می‌دارند؛ چون او ناقل تجربه‌های گذشته به افراد جدیدی است که احياناً جزو تیم وزیر جدید هستند. این افراد باید کارشناس باشند (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۶/۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3079>).

گسترش ایمان و تعمیق معنویت:

از منظر ایشان معنویت جزو بافت اصلی یک نظام سیاسی محسوب شود. معنویت پدیده‌ای است بسیار مهم که مورد نیاز بشریت است و این یک مدل نظام‌سازی جدیدی است که مسائل معنوی انسان که عنصر گمشده در میان بشریت است، جزو عناصر اصلی آن به حساب می‌آید. در واقع جمهوری اسلامی؛ در برهه‌ای از تاریخ پا به عرصه گذاشت که اندیشه حاکم بر بلوک شرق و غرب، نفی نقش معنویت و دین‌داری در عرصه حاکمیت بود و با پیروزی انقلاب اسلامی و دستیابی به استقلال سیاسی، علاوه بر افزایش موج دین‌داری در جامعه، ملت ایران به دنیا ثابت کرد که می‌توان پرچم معنویت را در دست گرفته، و در سایه آن به سعادت، به خوشبختی، به رفاه، به امنیت، به پیشرفت علمی و به استقلال رسید؛ و ثابت کرده که این، شدنی است؛ لذا می‌فرمایند: بنابراین، در کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این هیچ شبهه نکنید. حرکت‌هایی که انجام می‌دهند برای این که محیط دانشگاه و دانشجو را محیط بی‌دینی و بی‌معنویتی کنند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3257>).

لذا بر اساس منظومه فکری ایشان، هدف از تشکیل حکومت اسلامی استقرار ایمان به خدا، هدایت انسان‌ها و تعالی دینی و الهی جامعه است و نظام اسلامی ایران به دلیل داعیه‌دار بودن حکومت اسلامی در پی سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها است و سیاستی را دنبال می‌کند که بر اساس آن، زندگی مادی هم در گرو ایمان به خدا است؛ بنابراین، ایمان به خدای متعال نه فقط سعادت معنوی را تأمین می‌کند، بلکه سعادت مادی را هم تأمین خواهد کرد.

جهاد و مجاهدت علمی:

در اندیشه مقام معظم رهبری، توجه به علم و ضرورت پیشرفت و جهاد علمی کشور، به عنوان نقطه کانونی، به نحو بارزی خودنمایی می‌کند. این واژه از دیدگاه ایشان، عامل قدرت و کارآمدی است؛ علم، در کنار و همراه با ایمان، دو مؤلفه اصلی ایجاد قدرت ملی و ارتقای کارآمدی هستند. علم کلید اصلی تمدن‌سازی و رسیدن به نقطه مطلوب و همچنین لازمه پیشرفت همه‌جانبه کشور است؛ به طوری که از دیدگاه ایشان، عقب‌ماندگی علمی، ریشه عقب‌ماندگی در سایر زمینه‌ها محسوب می‌شود. همچنین ایشان معتقد است که عامل عقب‌ماندگی کشور در دوره‌های پیشین، بی‌توجهی به علم و مسائل

علمی بوده است. از نظر ایشان هیچ کشوری نمی‌تواند به آرزوهای ملی خود دست یابد، مگر اینکه در مسابقه علمی بتواند جایگاهی پیدا کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، اصالت علم از آنجاست که به‌عنوان مقوله‌ای بنیادین می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت همراه با عدالت و معنویت باشد و نظام اسلامی را در تحقق اهداف متعالی خود یاری سازد. بنابراین ایشان خواهان آن نوع پیشرفت علمی هستند که مطابق با بنیان‌های جامعه خودی و هویت اسلامی - ایرانی مردم این سرزمین باشد. به عبارتی، تکامل موردنظر ایشان آن است که نه تنها مبتنی بر فرهنگ و هویت بومی باشد بلکه، زمینه‌ساز تقویت آنها نیز باشد و می‌فرمایند:

وقتی در جامعه‌ای علم محترم شمرده می‌شود که استعداد و سرچشمه درونی عناصر انسانی کشور جوشان شود و علم بومی گردد. سرمایه‌گذاری برای علم، باید با این هدف باشد؛ و آلا این‌که دیگران فرآورده‌های علمی داشته باشند و فرمول‌ها و کلماتی را به ما بیاموزند و ... نتیجه فقر علمی، فقر صنعتی شد. نتیجه فقر صنعتی، خرج‌کردن همه سرمایه‌ها برای رسیدن به سطح زندگی معمولی متعارف دنیایی شد؛ یعنی واردکردن، صنعت مونتاژ، دایم دنبال دیگران دویدن، نفت و همه سرمایه‌های داخلی را تقدیم کردن. نتیجه دیگرش این بود که خیلی از استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - در کشور ما متوقف ماند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> [content?id=3257](https://farsi.khamenei.ir/speech-)).

استقلال همه‌جانبه:

یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی استقلال همه‌جانبه (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) است که در آن سرمایه انسانی به‌عنوان مؤلفه تحقق‌بخش، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند با تولید علم به‌عنوان بنیادی‌ترین پایه استقلال کامل و عدم وابستگی کشور به نظام سلطه را فراهم نماید. از منظر امام خامنه‌ای یکی از مؤلفه‌های کارآمدی نظام، استقلال سیاسی بوده که جزء شعارهای انقلاب اسلامی است و به‌عنوان زیر بنای استقلال اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شود که نمی‌توان برای آن طول عمر و تاریخ مصرف فرض کرد و هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهد شد، زیرا فطرت بشری در همه عصرها با آن سرشته است. همچنین استقلال را جزو خواسته عمومی مردم در انقلاب برشمرده و واکنش ملت ایران به دویست سال سلطه بیگانگان بر این

کشور می‌دانند. ایشان استقلال سیاسی را جزو «ارزش‌های اصلی و از شعارها و اصول بنیادین انقلاب» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39272>) و از «آرمان‌های بزرگ انقلاب» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷) برشمرده و هر حرکت و اقدامی که در جهت استقلال سیاسی کشور و ملت باشد را عمل صالح و حسنه قلمداد می‌کنند.

همچنین بررسی فرمایشات امام خامنه‌ای از بدو قبول مسئولیت رهبری، ایشان به دفعات و به مناسبت‌های مختلف بر حرکت روبه‌رشد پیشرفت اقتصادی کشور که در اثر وقوع انقلاب اسلامی و ناشی از استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران که در راستای کارآمدی نظام است، تأکید کرده و این موضوع را قابل‌مقایسه با دوران قبل از انقلاب نمی‌دانند. ایشان به پیشرفت‌های مختلف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از جنبه مختلف پرداخته و آن را به‌عنوان یکی از امتیازات نظام جمهوری اسلامی برمی‌شمارند.

اقتدار اقتصادی و عزت ملی:

اقتدار دارای مولفه‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، هوشمند و برتر ساز است و به همین دلیل اقتدار همه‌جانبه ضمن خنثی کردن انواع تهدیدات سخت، نرم و هوشمند، باعث اقتدار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان شده است. به‌طور کلی سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون و حفظ روحیه انقلابی‌گری در همه بخصوص در جوان‌ها؛ اینها است که می‌تواند کشور را حفظ نموده و به کارآمدی نظام سیاسی کمک نماید و آن‌وقت دشمن مأیوس خواهد شد.

یکی از ابعاد مهم کارآمدی در دولت‌های امروزی، توانمندی و کارایی اقتصادی آنهاست. هر حکومتی برای افزایش مشروعیت خود باید جامعه را از حداقل رفاه اقتصادی و استانداردهای زندگی اجتماعی برخوردار سازد. این امر برای دوام و قوام نظام سیاسی بدیهی و ضروری است. دولت ممکن است در این زمینه بر بازار اقتصادی نظارت کند یا کنترل کامل امکانات تولید و توزیع را به دست گیرد یا برای افزایش توانمندی‌های خود در این زمینه برنامه‌هایی به اجرا گذارد کنترل کند، یا نظارت‌هایی

را به اجرا گذارد. بدیهی است هر چه دستگاه‌های دولتی بیشتر در اقتصاد یا تخصیص مزایای اقتصادی درگیر باشند، نیاز به توانمندی‌های اقتصادی بیشتر احساس می‌شود (لی نور، ۱۳۸۳: ۴۶).

وقتی که همه سرمایه اندوزان بین‌المللی سعی می‌کنند یک ملت و یک کشور را در چنبره اختاپوس اقتصادی خودشان درآورند و به نام‌های فریبنده و به‌ناحق، منابع یک ملت را جذب کنند، اگر مسئولان اقتصادی کشور توانستند با تدبیر و هوشیاری و با سرعت عمل متناسب، تدابیر لازم را پیش گیرند و مانع از نفوذ پنجه دشمن در اقتصاد کشور شوند و اقتصاد ملی را شکوفا کنند، ملت احساس اقتدار می‌کند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان ارتش ۱۳۸۰/۱/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3060>).

نظارت و مبارزه با فساد:

نظارت همگانی بر امور اجتماعی و سیاسی مسئولان و مردم اهمیت بسیاری دارد؛ آن‌گونه که با اجرای صحیح آن می‌توان برخی از مسائل و مشکلات درون حکومت را حل کرد و به کارآمدی رسید. امر به معروف و نهی از منکر بیانگر همین شاخص مهم مسئولیت و نظارت همگانی است، از این رو عدم نظارت و مسئولیت‌پذیری از جانب مردم موجب ناکارآمدی نظام خواهد شد. آیاتی از قرآن نیز بر این امر دلالت دارد (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰) در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (دیلمی، ۱۴۱۲، ۱۸۴) لذا انسان به دلیل ویژگی اختیار و توانایی تمرد، به نظارت نیازمند است، منطقاً اهمیت نظارت و کنترل کارگزاران و مدیران باید به صورت مضاعف دیده شود، زیرا همواره احتمال سوءاستفاده‌ی آنان از قدرت وجود دارد. کنترل و نظارت در دستگاه اداری وظیفه‌ی اجتناب‌ناپذیر رهبران تلقی می‌شود.

نظارت کارآمد بر عملکرد مدیران در نظام سیاسی، یکی از نیازهای اساسی سازمان‌ها برای مدیریت منابع انسانی است؛ با گسترش سازمان‌ها و پیدایش مسائل و پیچیدگی مدیریت آن‌ها، اهمیت نظارت مطلوب بر مسئولان بیشتر احساس شده و دامنه فعالیت‌ها و وظایف بخش نظارتی نیز گسترده‌تر شده است. از این رو، در سازمان‌های گوناگون، مدیران همواره می‌کوشند با استفاده از سیستم‌های نظارتی کارآمد و با به‌کارگیری شیوه‌های مؤثر بر اجرای هر چه بهتر برنامه‌ها و عملکرد افراد تحت امر خود نظارت کنند.

عامل مؤثر دیگر در کارآمدی، زیر نظر داشتن دائمی مدیران است. وزیر، کار اجرایی به معنای تحرک فیزیکی خیلی ندارد؛ با نامه و مکاتبه هم شاید چندان سروکار نداشته باشد و چه بهتر که نداشته باشد و غرق در کار تابل نشود... مهم ترین کار وزیر این است که به طور دائم حرکات مجموعه مدیران خودش را زیر نظر داشته باشد؛ درست مثل مربی کهنه کار یک تیم ورزشی که بیرون یا نزدیک میدان ایستاده و دائم بازیکنان خودش را زیر نظر دارد: یکی خسته شده، او را از بازی بیرون می آورد؛ یکی بد بازی می کند، یکی ناهماهنگ بازی می کند - بازی شخصی و فردی می کند - فوری اینها را اخراج می کند و یکی دیگر را به جایشان می فرستد؛ یکی هست که بازی اش بد نیست، اما الان در میدان به یک کار برجسته نیاز است؛ لذا بازیکن ذخیره ای را که روی نیمکت نشسته، وارد میدان می کند و می داند که او می تواند آن حرکت برجسته را بکند (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۶/۵، ۳۰۷۹/۱۳۸۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3079>).

بدیهی است نظام سیاسی برای آنکه نشان دهد به دنبال منفعت عمومی جامعه و تأمین نیازهای اساسی مردم است، باید دامن خود را از هرگونه جزءگرایی (سوءاستفاده از قدرت در جهت منافع شخصی) مانند فساد اقتصادی و اختلاس پاک نگه دارد. انتظارات یک گروه خاص و مقطعی که منافع خود را در حکومت دنبال می کنند باعث می شود که اعتماد مردم به توانایی نظام سیاسی برای تأمین منافع عمومی و توزیع عدالت زیر سؤال رود و به تدریج باعث فرسایش مشروعیت آن شود (بیتهم، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

نتیجه گیری:

بنا بر آنچه گذشت در مدلی که برای تبیین کارآمدی نظام سیاسی ارائه می شود همواره مبتنی بر یک نظام ارزشی خاص هستند که این نظام ارزشی برآمده از یک جهان بینی مشخص است؛ بنابراین می توان گفت که تفاوت اصلی نظریه شیعه با تئوری های رایج غربی در همین جهان بینی ظاهر می شود. در جهان بینی اسلامی و به خصوص شیعی محور هستی خداست و انسان و عالم هستی بر مدار و محوریت او تعریف می شوند. بر همین اساس نظام ارزشی برآمده از این جهان بینی، نظامی الهی است، اما مبنای تئوری های غربی جهان بینی جدیدی است که پس از رنسانس با نگاه جدید انسان به خود، خدا و عالم پدید آمده است. در این جهان بینی محور هستی انسان است (اومانیسزم) و همه چیز بر اساس خواست و اراده او تعریف می شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تحلیل و نگاه جامع در بیان شاخصه‌های کارآمدی نظام مردم‌سالار دینی، بر نوسازی معنوی و فرهنگی و عدالت‌محوری تأکید می‌نماید. ایشان دولت اسلامی را دولت کریمه دانسته و شرایط و الزامات تحقق دولت کریمه را عزت و سربلندی اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذناپذیری، پایداری و قدرشناسی نعمت انقلاب می‌دانند و در راستای ارتقای کارآمدی نظام ولایی بر لزوم استقامت کامل در اهداف و مبانی با اصلاح، تغییر و تکامل روش‌ها، حرکت به سوی اهداف پیش‌بینی شده را میسر می‌دانند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه.
- امام خمینی (۱۳۷۸)، ولایت‌فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، چاپ نهم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- بیت‌هام، دیوید (۱۳۸۲)، مشروع‌سازی قدرت، ترجمه محمد عابدی اردکانی، یزد: دانشگاه یزد.
- ججاریان، سعید (۱۳۸۰)، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، تهران: طرح نو.
- درک فرنج (۱۳۷۱)، فرهنگ توصیفی مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز مدیریت دولتی.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: شریف رضی.
- ذوعلم، علی (۱۳۸۵)، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر مترجم.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع مدیریت، تهران: چاپ سپهر.
- زاهدی، شمس‌السادات و دیگران (۱۳۸۳)، فرهنگ جامع مدیریت، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۸۸)، حاکمیت دینی اصول و مبانی، قم: زمزم هدایت.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۳)، ولایت‌فقیه حکومت صالحان، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- صنیعی منفرد، محمدعلی (۱۳۸۰)، تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه الزهرا.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

- قیصری، نورالله و قربانی، مصطفی (۱۳۹۴)، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، مدلی برای سنجش و ارزیابی، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۲۲.
- گلریز، حسن (۱۳۶۸)، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، تهران: مرکز آموزش بانکداری، چاپ اول.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳)، حکومت و مبانی کارآمدی، تهران: مجلس و پژوهش، شماره دهم، سال دوم، تیر و مرداد.
- لوسین پای و دیگران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیپست، سیمور مارتین (۱۳۷۴)، مشروعیت و کارآمدی، ترجمه رضا زبیب، مجله فرهنگ و توسعه، ش ۱۸.
- لی نور ج، مارتین (۱۳۸۳)، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، حکومت و مشروعیت، مندرج در: کتاب نقد، ش ۷.
- فرمایشات مقام معظم رهبری در سایت: <https://farsi.khamenei.ir>.
- سایت آفتاب www.aftabir.com.
- سایت مردم‌سالاری www.mardomsalari.com.